

معیارهای تجویز توسل به زور در صورت نقض فاحش و گسترده بنیان های اخلاقی حقوق بشری

حسن محمد رضایی، دکتر سید باقر میر عباسی*، دکتر علی کمالی

گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۸)

چکیده

زمینه: رعایت موازین حقوق بشر و پایبندی به اصول و بنیادهای اخلاقی آن از آسیب پذیری حاکمیتها در مقابل تصمیمات خارجی جلوگیری می کند و استقلال کشورها را در جهانی که وابستگی متقابل یکی از ویژگیهای آن است تضمین می نماید. دولت ها، ضمن داشتن مشروعیت قانونی باید از مشروعیت اخلاقی نیز بهره مند باشند. در غیر این صورت، به واسطه اظهارنظرهای نهادهای رسمی حقوق بشری سازمانهای بین المللی و دولتهای دیگر، با فشار افکار عمومی بین المللی مواجه می شوند. این فشار حتی می تواند تا حد توسل به زور برای وادار ساختن یک دولت نقض کننده حقوق بشر به رعایت مقررات مربوط و موازین اخلاقی، پیش رود. امروزه حقوق بین الملل تهدید و کاربرد زور در روابط بین المللی را ممنوع دانسته و از کشورهای عضو سازمان ملل متحد می خواهد از تهدید و کاربرد زور علیه استقلال سیاسی و تمامیت ارضی دیگر کشورها خودداری نمایند. لذا، هدف این مقاله بررسی معیارهای تجویز توسل به زور در صورت نقض فاحش و گسترده حقوق بشر و بنیادهای اخلاقی آن است.

نتیجه گیری: بررسی منابع موجود نشان می دهد، تجویز توسل به زور در صورت نقض فاحش و گسترده حقوق بشر می تواند از مستندات و مقررات حقوق بین الملل عمومی تبعیت نماید. عدم رعایت بنیان های اخلاقی حقوق بشری به گونه ای که وجدان جامعه بشری را جریحه دار نماید منجر به نقض فاحش حقوق بشر می گردد. و این امر می تواند مجوزی برای توسل به زور باشد. علاوه بر این محافظت از معیارهای اخلاقی مانند حمایت از حرمت انسانی، دفاع مشروع و حفظ صلح و امنیت بین المللی می تواند دلیلی برای توسل به زور در نظر گرفته شود و در چنین شرایطی تنها، شورای امنیت می تواند جواز توسل به زور را صادر نماید.

کلیدواژگان: توسل به زور، حقوق بشر، اخلاق

سر آغاز

حقوق بشر^۱ در فرایند تاریخی پرفراز و نشیب خود، تحولات شگرفی را تجربه نموده و توسعه ای چند وجهی را به نظاره نشست است. بنیان اعلامیه جهانی حقوق بشر از متن گفتمان ها و رایزنی های بین المللی خود تدارک آن را می دیدند تا یک نظریه انسانی را در قالب اعلامیه جهانی حقوق بشر ارائه داده و بدین ترتیب خواهان شکل گیری یک جامعه اخلاقی^۲ بین المللی و حضور اصول اخلاقی^۳ جهان شمول در روابط بین الملل بودند.

مفهوم حقوق بشر در جهان امروز با تاکید بر بنیان ها و مولفه های اخلاقی چون، حق زندگی، منع شکنجه، منع برده داری، عدالت^۴، آزادی بیان^۵، آزادی فکر^۶، عقیده و مذهب، حفاظت از محیط زیست و ... شکل گرفته است. حفاظت از حقوق بشر در حقیقت پاسداری از این مولفه های اخلاقی است که زندگی در دهکده جهانی را ممکن می سازد (۱).

توسل به زور^۷ در صورت نقض فاحش و گسترده بنیان های اخلاقی حقوق بشری یکی از مباحث مهم و بغرنج حقوق بین الملل و از جمله موضوعات چالش برانگیز در تئوری و عمل محسوب می گردد. پیچیدگی موضوع توسل به زور و مداخله بشر دوستانه در بطن آن نهفته است زیرا مستلزم در کنار هم قرار گرفتن اصول مهم و متعارفی است از یک طرف اصولی نظیر عدم مداخله، عدم کاربرد زور و از طرف دیگر اصول مربوط به حق حیات صیانت از آزادی و کرامت انسانی^۸، آزادی عقیده و بیان منع شکنجه کشتار جمعی و نسل کشی مورد توجه می باشند.

صرف نظر از اهمیت ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد که توسل به قوای قهریه و اقدام زور گرایانه یک جانبه را در اعمال حق دفاع مشروع خواه به صورت فردی و یا دسته جمعی در مقابل حمله مسلمانانه مجاز

دکتر سیدباقر میرعباسی و همکاران: معیارهای تجویز توسل به زور در صورت نقض فاحش و گسترده بنیان های اخلاقی حقوق بشری

تهدید به زور را می توان، اعلام صریح یا ضمنی توسل به زور مسلحانه غیر قانونی آتی و علیه دولت دیگر تعریف نمود که تحقق آن بسته به اراده تهدید کننده است (۳). فرهنگ حقوقی آکسفورد، تهدید را ابراز قصد صدمه زدن به فردی با هدف وادار کردن وی به انجام کاری، تعریف می نماید (۴) تهدید توسل به زور در هیچ جای منشور ملل متحد تعریف نشده است به عقیده برخی محققان یک تهدید به زور پیامی است صریح یا ضمنی که توسط یک «تصمیم ساز» تنظیم و به مخاطب ابلاغ شده و حاکی از آن است که چنانچه قاعده ای رعایت نشود یا درخواستی اجابت نگردد، پای زور به میان خواهد آمد (۵).

هدف تهدید باز دارنده، وادار کردن دولت هدف به عدم انجام کاری است از قبیل عدم مقاومت نظامی در برابر یک حمله یا عدم عضویت در یک پیمان (ترک فعل)، حال آنکه هدف تهدید مجبور کننده، وادار کردن به انجام اقدام خاص است مانند واگذاری یک سرزمین، ملحق شدن به معاهده ای خاص یا بازنگری قانون اساسی (فعل) (۶). از این روی، چنانچه دولتی آمادگی خود را جهت توسل به زور مطابق با منشور ملل متحد اعلام نماید، تهدید غیر قانونی محسوب نمی گردد بلکه هشداری مشروع است (۳).

روش های توسل به زور

تهدید یا توسل به زور بعنوان ایجاد کننده «نقض حقوق بین الملل» است که نباید هرگز بعنوان وسیله حل و فصل مسائل بین المللی لحاظ شود. اعلامیه مذکور به کرات اصطلاح «جنگ تجاوز کارانه»^{۱۱} را بعنوان یک «جرم علیه بشریت»^{۱۲} بکار می برد. کلیه تبلیغات به نفع جنگهای تجاوز کارانه و نیز کلیه تدابیر قهری ای که ملتها را از حق تعیین سرنوشتشان و آزادی و استقلالشان محروم می سازد ممنوع شده است. در سومین بخش این اعلامیه که به اصل عدم مداخله اختصاص یافته، تصریح شده است که: «استفاده از زور برای محروم کردن ملتها از هویت ملی شان ناقض حقوق غیرقابل انتقالشان واصل عدم مداخله است»^{۱۳}. «دولتها باید از سازماندهی، کمک، دامن زدن، تامین مالی، تشویق یا اغماض از فعالیتهای مسلحانه مخرب یا تروریستی خودداری کنند» (۷).

امروزه روش های جدیدی از توسل به زور در روابط بین الملل مطرح شده است به عنوان مثال استفاده از حملات سایبری به کشور دیگر نوعی از توسل به زور است. فعالیتهای مزبور میتواند در برخی شرایط موجد مفهوم توسل به زور در منشور ملل متحد و عرف بین المللی باشد. این گونه فعالیتهای اگر به مرگ، صدمه یا خسارت جدی منجر شوند، میتوانند به عنوان توسل به زور قلمداد شوند (۸). بنابراین روش های توسل به زور از نظر ماهیت و شکل متنوع است و کشورهای مختلف تفسیر متفاوت از قاعده توسل به زور می کنند.

دانسته است استفاده از زور بر طبق منشور تنها به صورت حقی انحصاری در اختیار سازمان ملل متحد قرار گرفته است. ممنوعیت توسل یک جانبه به زور توسط دولتها در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد بیان شده است. این ماده از منشور سازمان ملل متحد گامی بزرگ و ارزشمند در جهت حفظ صلح و امنیت بین المللی در حقوق بین الملل است که محدودیت جدی در توسل به زور در میسر دولتها قرار داده است.

برخی بر این باورند که حمایت از کرامت ذاتی و برابری تمام اعضای خانواده بشری در اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور سازمان ملل متحد^{۱۴} مورد تایید قرار گرفته است طرفداران این گروه معتقدند که استفاده یک جانبه از زور برای اجرای مفاد حقوق بشر جایز می باشد زیرا ترویج و ترفیع حقوق بشر یکی از مقاصد اولیه منشور است بنابراین استفاده از زور برای اعمال آن، نمی تواند ناقص ماده ۲ بند ۴ منشور باشد.

در دهه های اخیر، بروز جنگ در عراق و افغانستان و اشغال این کشورها از سوی نیروهای ائتلافی با استفاده از دلایل حقوق بشری، ضرورت بررسی معیارهای توسل به زور را بیشتر آشکار کرد و این سوال در نظام حقوق بین المللی مطرح است که معیارهای توسل به زور کدام است و در چه صورت سازمان های بین المللی امکان توسل به زور را جهت مقابله با نقض حقوق بشر دارند؟

مفهوم توسل به زور

طرح نظریه منع توسل به زور پس از تاسیس سازمان ملل متحد را بیشتر باید بدلیل پیامدها و تجربیات تلخ دو جنگ جهانی اول و دوم به شمار آورد. پس از تصویب منشور تساوی حاکمیت دولتها بعنوان یکی از اصول و ارکان حقوقی جهانی کشورها متعهد شدند از تهدید یا استفاده از زور یا هر روش دیگری علیه تمامیت سرزمینی و استقلال سیاسی کشورهای عضو خودداری نمایند. با این حال و علیرغم ممنوعیت توسل به زور براساس منشور، تحت شرایطی خاص استفاده از نیروی نظامی در منشور ملل متحد پیش بینی شده است که حق دفاع مشروع جمعی و فردی و اقدام شورای امنیت در صورت حمله تجاوز کارانه علیه یکی از اعضاء ملل متحد برای باز گرداندن صلح و آرامش به جامعه جهانی از آن جمله است. بر همین اساس دفاع مشروع جمعی و فردی و اقدام های شورای امنیت در قالب فصل هفتم منشور بوده و هر گونه اقدامی در خارج از چارچوب منشور ملل متحد و بدون مجوز های لازم شورای امنیت را می توان در شمول اقدام های تجاوز کارانه کشورها محسوب نمود.

درواقع اصل منع توسل به زور بارزترین اصلی است که در حقوق بین الملل^{۱۵} عرفی به عنوان قاعده آمره شناخته می شود این اصل با مکاتب فلسفی حقوق بین الملل ارتباطی وسیع و تنگاتنگ دارد. جنگ و کاربرد زور که در ادوار گذشته و به لحاظ حقوق بین الملل کلاسیک، اصل حاکم بر روابط بین الدول بوده است، امروزه به صورت عامل مخرب حقوق بین الملل شناخته می شود. (۲).

جواز توسل به زور

از نظر تاریخی استفاده از زور و اقدام به مداخله در جهت حمایت از بشریت، البته نه در مفهوم امروزی، به قرون وسطی برمی گردد در آن زمان مداخله به عنوان اقدامی در جهت حمایت از مردم ستم دیده توسط مذهب کاتولیک مطرح شد و به مردم اجازه داد که برای نجات دیگران اقدام به مداخله نمایند. همچنین بعد از آن پیمانهای دوجانبه یا چندجانبه‌ای در جهت حمایت از حقوق اقلیتها منعقد گردید که عموماً مفاد این پیمانها از این قرار بود که جمعی از دولتها حق دارند در کشور دیگری که به حمایت از اقلیت ملتزم شده، ولی آن را رعایت نکرده‌اند، دخالت کنند. (۹)

بنابراین چنانچه در تاریخچه بحث جواز توسل به زور بنگریم تنها نظریه ای که توانست در قرون وسطی، توسل بی قید و شرط به زور را تا اندازه‌ای محدود کند، نظریه جنگ عادلانه یا مشروع بود (۱۰). تا اواخر قرن نوزدهم، حقوق بین‌المللی حاکم که شاید بتوان گفت بیشتر بر عرف و تصمیم قدرت‌های بزرگ مبتنی بود، هیچ‌گونه محدودیتی را برای توسل به زور در نظر نمی‌داشت و فقط کشورها را موظف به رعایت پاره‌ای از تشریفات می‌کرد. در اواخر قرن نوزدهم، تغییرات مهمی در نوع نگرش به توسل به زور و حفظ امنیت کشورها به وجود آمد. در آن زمان حقوقدانان بر این باور بودند که، جنگ زمانی مشروع به حساب می‌آید که پاسخ به یک بی‌عدالتی باشد و آن عبارت است از هنگامی که به حقوق بنیادینی که برای کشورهای حاکم به رسمیت شناخته شده - حق برابری، حق استقلال، حق تجارت بین‌المللی - لطمه فاحشی وارد آید. در این شرایط اعمال مجازات، یعنی جنگ، علیه عامل نقض حقوق بنیادین عکس العمل مجاز کشورها محسوب می‌شد (۱۱). وقوع فجایع و کشتارهای گسترده در جریان جنگ جهانی اول جامعه بین‌الملل را بر آن داشت که علاوه بر تأسیس جامعه ملل به عنوان سازمانی برای توسعه همکاری ملت‌ها و ترویج حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی، این بار دست به تهیه سندی بین‌المللی در زمینه محدودیت جنگ و توسل به قوای نظامی بزنند با توجه به شرایط حاکم بر جامعه بین‌المللی آن زمان تدوین سندی با این ویژگی عملاً امکان پذیر نشد و تنها میثاق جامعه ملل توانست جنگ را در برخی شرایط خاص غیرقانونی اعلام کند، اما همچنان در فروض متعددی توسل به جنگ طبق مفاد میثاق قانونی و مشروع تلقی می‌شد. چندی بعد در سال ۱۹۲۸ میثاق بریان-گلوگ یا پیمان پاریس در زمینه منع توسل به زور و تحریم جنگ تدوین شد این پیمان عام نخستین سند در طول تاریخ بشری است که به طور مطلق توسل به جنگ را ممنوع می‌کند. در این توافق‌نامه بین‌المللی تلاش شده بود تا ضوابطی برای حل مسالمت‌آمیز اختلافات و تحدید حق توسل به زور ایجاد شود. به عبارت دیگر، جنگ از منظر میثاق، آخرین راه حل منازعات بین‌المللی به شمار می‌رفت (۱۰).

بعد از جنگ جهانی دوم، کشورهای بزرگ، به دنبال پی‌ریزی طرح تأسیس سازمان جدیدی بودند که قدرت و توان کافی جهت حفظ و حراست صلح و امنیت بین‌المللی و جلوگیری از وقوع جنگ را داشته

باشد. بنابراین سیستم جدیدی برای تأمین امنیت بین‌المللی پی‌ریزی گردید و مسئله تحریم توسل به زور، از سال ۱۹۴۵ به بعد، مکرراً مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. منشور ملل متحد در اولین عبارت از مقدمه خود، هدف اولیه وضع و تدوین منشور را "محفوظ نگهداشتن نسل‌های آینده از بلای جنگ" تصریح کرده است. قاعده منع توسل به زور در منشور ملل متحد، هرگونه اقدام زورمدارانه در مناسبات بین‌المللی را دربر می‌گیرد (۱۱).

منشور ملل متحد، استفاده از زور یا تهدید به استفاده از زور علیه تمامیت سرزمینی یا استقلال سیاسی سایر کشورها را ممنوع می‌نماید. دو استثناء بر این اصل وارد شده است: اولین استثنا مربوط به حق دفاع مشروع جمعی و فردی در صورت حمله مسلحانه علیه یکی از اعضای ملل متحد است. دومین استثنا مربوط به اقدامات شورای امنیت برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی است. به هر حال در حقوق بین‌الملل بحث شکل‌گیری استثنای سومی بر اصل عدم توسل به زور مطرح شده است. با توجه به ظلم و ستم گسترده بعضی از کشورها در دهه آخر قرن بیستم و مخصوصاً کشتارهایی که در کوزوو اتفاق افتاد، موضوع مداخله بشردوستانه در مباحثات سیاسی و حقوقی جایگاه خاصی پیدا کرد. (۱۲)

بنابراین در دوران جدید نیز تنها استثناء‌های وارد شده بر این قاعده در منشور پیش‌بینی شده و تحت مواد ۴۲ و ۵۳ منشور، شورای امنیت اجازه دارد در موارد خاص و با شرایط مشخص، استفاده از نیروی نظامی علیه یک دولت را به عنوان ابزاری در جهت استقرار صلح و امنیت بین‌المللی و حمایت از بنیان‌های اخلاقی حقوق بشری مورد توجه قرار دهد (۱۳).

در زمینه جنگ و حملات نظامی به عنوان جوازی برای مشروعیت توسل به زور از چندین شیوه بازدارنده مانند: جنگ عادلانه، جنگ پیشگیرانه، دفاع پیش‌دستانه یا بازدارنده، دفاع از خود یا دفاع مشروع، امنیت دسته‌جمعی (دفاع مشروع جمعی)، مداخله بشردوستانه، مداخله نظامی برای حفظ جان و مال و اتباع داخلی در کشور دیگر، مداخله نظامی برای کمک به سرکوب شورشیان در کشور دیگر، مداخله نظامی برای کمک به نهضت‌های استقلال طلب و اقدام تلافی‌جویانه استفاده می‌شود.

شرایطی که با تحقق آنها، مداخله دارای عنوان بشر دوستانه می‌شود و می‌تواند اخلاقاً توجیه شود عبارتند از:

۱. نقض فاحش حقوق بشر یا وجود سبب مشروع و عادلانه: هنگامی ممکن است، مداخله یک دولت در امور داخلی دولت دیگر مجاز شناخته شود که در قلمرو دولت مورد مداخله نقض فاحش حقوق اساسی بشر مثل قتل عام یا شکنجه در مقیاس وسیع صورت گیرد، به نحوی که وجدان عمومی را جریحه دار می‌کند (۱۴).
۲. وجود قصد و نیت صرفاً انسان دوستانه: برای این که مداخله، بتواند دارای عنوان بشر دوستانه یا انسان دوستانه و اخلاقی تلقی شود، لازم است دولت یا دولتهای مداخله کننده، منحصراً دارای قصد انسان دوستانه باشند (۱۵).

دکتر سیدباقر میرعباسی و همکاران: معیارهای تجویز توسل به زور در صورت نقض فاحش و گسترده بنیان های اخلاقی حقوق بشری

طریق مذاکره، مناقشات خود را حل نمایند. و توسل به زور پیش از اینکه از جنبه حقوقی با قواعد بین المللی سازگار نباشد با معیارهای اخلاقی نیز در تضاد است. در پاره ای موارد دولتها با این استدلال که توسل به زور با اهداف اخلاقی انجام شده است سعی در توجیه نقض توسل به زور هستند. (۱۷). بنابراین یکی از دلایل مخالفت با توسل به زور، نقض معیارهای اخلاقی است. معیارهایی که در روابط بین الملل حاکم است و کشورها کمابیش از این معیارها پیروی می کنند.

نقش شورای امنیت در جواز توسل به زور

این اصل اساسی که توسل به زور در روابط بین المللی در خارج از موارد اعمال حق دفاع مشروع مستلزم (کسب) مجوز صریح از سوی شورای امنیت است مورد پذیرش کشورهای عضو سازمان ملل متحد قرار گرفته است. اما متأسفانه گروهی از کشورها بدون اجازه صریح شورای امنیت سازمان ملل متحد از نقض حاکمیت بر پایه اقدام بشردوستانه دفاع کردند. این امر دلایل گوناگونی داشت. یکی از مهم ترین علل این چالش را می توان اعمال حق و تو توسط اعضای دائم شورای امنیت دانست که نمی تواند در دفاع از حقوق انسانی مورد استفاده قرار بگیرد.

گرچه اکثریت کشورها معتقدند که تهدید به زور تحت هر شرایطی ممنوع می باشد، اما چند کشور مدعی اند که تهدید با هدف حفظ صلح و امنیت بین المللی و ممانعت از نقض یا سرکوب «نقض» قواعد آمره^{۱۳} لزوماً غیر قانونی نیست. برخی محققان نیز چنین موضعی دارند. آنها در مطالعات خود نتیجه می گیرند، دلیلی وجود ندارد که تهدید به زور، همواره غیر قانونی باشد. با لحاظ نمودن رویه کشورها، آنها ادعا می کنند که بند ۴ ماده ۲ منشور، یگانه معیاری نیست که کشورها بر اساس آن قانونی بودن یک تهدید به زور را ارزیابی می نمایند. (۵) کشورها تمایل دارند، تحت این شرایط، تهدید را قانونی بدانند:

۱. مجبور به دفاع از امنیت خود باشند، مشروط به آنکه حق تعیین سرنوشت داخلی کشور هدف نقض نگردد.
 ۲. مجبور به استیفاء یک حق تضییع شده باشند.
- بنابراین اگر چه در قانون تصریح شده که جواز توسل به زور در شرایط نقض حقوق بشر و بنیان های اخلاقی آن باید توسط شورای امنیت صادر شود اما در عمل کشورها گاه خودسرانه و بدون مجوز شورای امنیت وارد عمل می شوند.

نقض بنیان های اخلاقی حقوق بشر

حقوق بشر، حقوق بنیادین و انتقال ناپذیری است که برای حیات نوع بشر، اساسی دانسته می شود؛ یعنی مجموعه ای از ارزش ها، مفاهیم، اسناد و سازوکارها است که موضوعشان حمایت از مقام، منزلت و کرامت انسانی است. (۱۸) بند (۲) ماده ۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) شماری از حقوق بشر را به عنوان حقوق غیرقابل انحراف قلمداد می کند که حتی بروز وضعیت فوق العاده عمومی در کشور، تعلیق

۳. شکست کوششهای مسالمت آمیز و اقدام به مداخله به عنوان آخرین راه چاره: تنها در صورتی مداخله توجیه پذیر است که مذاکرات به بن بست رسیده باشد و راههای دیگری چون تحریمهای اقتصادی منجر به توقف نقض حقوق بشر نشده باشد.

۴. دورنمای مثبت اقدامات نظامی: یکی دیگر از پیش شرطهای مداخله بشر دوستانه آن است که چشم انداز آن مثبت باشد، احتمال تأثیر آن قوی باشد، پیش بینی شود از نقض حقوق بشر جلوگیری به عمل خواهد آمد. آثار مثبت آن بسیار بیشتر از آثار مخرب باشد.

۵. تناسب ابزار مورد استفاده با هدف: وسعت، مدت و شدت مداخله نظامی، باید برای نجات قربانیان و پیشگیری از فجایع در حال ارتکاب ضروری باشد.

با استناد به مواد منشور به نظر می رسد که هیچ یک از دولت های عضو حق استفاده از زور را ندارند و مرجع صدور جواز توسل به زور سازمان ملل و شورای امنیت است که با نظر اکثریت اعضا این امکان را در شرایط خاص می دهد.

توسل به زور و حاکمیت کشورها

با ممنوعیت کلی تهدید و توسل به زور، و مستثنی شدن دفاع مشروع در برابر حمله مسلحانه از این قاعده، هر توسل به زور دیگری باید حتماً با مجوز شورای امنیت تحت فصل هفتم منشور باشد اما عملکرد حداقل برخی دولت های عضو این سازمان بدین سمت بوده که توسل به زور در مواردی مانند دفاع پیشدستانه، دفاع پیش گیرانه و مسئولیت حمایت را نیز در زمره مستثنیات بر قاعده ممنوعیت توسل به زور و بی نیاز از کسب مجوز شورای امنیت قلمداد نمایند. به نظر می رسد نقطه اصلی در موضوع دفاع پیشگیرانه، اعلام رسمی اتخاذ این سیاست توسط دولت آمریکا و سپس اجرای عملی آن در گسترده ترین شکل ممکن در دو جنگ تمام عیار بود که هر دو به سرنگونی دولت حاکم در کشور مورد حمله انجامید. یکی دیگر از مواردی که حداقل از دیدگاه برخی توانسته است استثنای جدیدی در قاعده ممنوعیت توسل به زور ایجاد کند دکتترین «مسئولیت حمایت» است. اهمیت این موضوع را از آنجا می توان بهتر درک کرد که تهاجم نیروهای غربی بدون مجوز شورای امنیت به صربستان به بهانه حمایت از مردم کوزوو در برابر حملات نیروهای صرب و یا اقدام نظامی روسیه در خاک گرجستان به بهانه حمایت از مردم اوستیا و آبخازیا نیز تحت همین عنوان قرار می گیرد. (۱۶)

شاخصه ویژه نظام حقوقی، حاکمیت مطلق دولت ها در سرزمین تحت کنترل آنهاست که در قالب اصل عدم مداخله، مقرر در بند ۷ ماده ۲ منشور، تثبیت شده است در بسیاری از موارد توسل به زور منجر به نقض تمامیت ارضی و استقلال سیاسی است به طوری که در حمله کشورهای متحد به عراق و افغانستان، تمامیت ارضی این دو کشور مورد تجاوز قرار گرفت. این امر مشروعیت توسل به زور را دچار تردید می کند. همچنین یکی از دلایل ممنوعیت توسل به زور، نقض معیارهای اخلاقی است در واقع استدلال طرفداران منع توسل به زور این است که دولتها از



نحوی که شورای امنیت نهایتاً اقدامات اجباری به منظور جلوگیری از این تخلفات را مجاز می سازد. بنابراین توسل به زوری که شامل تهدید به زور و یا استفاده از زور بدون مجوز رسمی شورای امنیت باشد، نقض صریح منشور سازمان ملل محسوب می گردد. اخلاق عمومی به عنوان محدودیتی بر حقوق و آزادیهای بشری، و با هدف بررسی شناخت شناسه ای این موضوع در سیاق مباحث نظری حقوق بشر بر مبنای اندیشه های کانت و نقدهای متأخر وارد بر آن در راستای ترسیم رویکردی میانه بر مبنای عقلانیت جمعی در تبیین قواعد اخلاق عمومی و همچنین تحلیل جایگاه حقوقی و کارکرد این مفهوم در نظام بین المللی حقوق بشر و حقوق داخلی به منظور تبیین شرایط قانونگذاری در روند تصویب قوانین محدودیت ساز مبتنی بر مقتضیات اخلاق عمومی صورت پذیرفته است. یکی از مواردی که مجوزی برای توسل به زور محسوب می شود عدم رعایت استانداردهای حقوق بشری به گونه ای که وجدان جامعه بشری را جریحه دار نماید نقض فاحش حقوق بشر است. بند (۲) ماده ۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) شماری از حقوق بشر را به عنوان حقوق غیرقابل انحراف قلمداد می کند که حتی بروز وضعیت فوق العاده عمومی در کشور، تعلیق اجرای آن حقوق را توجیه نمی نماید. این حقوق از جمله شامل حق حیات و ممنوعیت شکنجه می باشد. اینها در واقع همان حقوق اساسی هستند که تحت هیچ شرایطی نباید از آنها تخطی جست. منظور از نقض فاحش و گسترده حقوق بشر شامل قتل، نابودی، به بردگی گرفتن، اخراج، انتقال اجباری جمعیت، محبوس کردن، محروم کردن شدید دیگری از آزادی جسمانی، شکنجه، خشونت جنسی، اذیت و آزار، ناپدید کردن اجباری، تبعیض نژادی و سایر اعمال غیرانسانی مشابه است بنابراین می توان گفت حقوق بنیادین بشر، امروزه از نظر ماهیت قواعدی آمره هستند. علی رغم اینکه شورای امنیت در قطعنامه های خود بارها و بارها به نقض حقوق بشر استناد کرده، ولی هنوز معیار دقیقی از اینکه چه موضوعاتی باعث جریحه دار شدن وجدان بشری می شود عرضه نکرده است

در دهه های پس از تشکیل سازمان ملل متحد، عملکرد حداقل برخی دولت های عضو این سازمان بدین سمت بوده که توسل به زور در مواردی مانند دفاع پیشدستانه، دفاع پیش گیرانه و مسئولیت حمایت از بنیان های اخلاقی حقوق بشر را نیز در زمره مستثنیات بر قاعده ممنوعیت توسل به زور و بی نیاز از کسب مجوز شورای امنیت قلمداد نمایند

نمونه هایی از توسل به زور به دلیل «مسئولیت حمایت از بنیاهای اخلاقی حقوق بشری» عبارتست از تهاجم نیروهای غربی بدون مجوز شورای امنیت به صربستان به بهانه حمایت از مردم کوزوو در برابر حملات نیروهای صرب، و یا اقدام نظامی روسیه در خاک گرجستان به بهانه حمایت از مردم اوستیا و آبخازیا.

بنابراین به طور کلی می توان گفت معیار هایی مانند حمایت از حقوق بشر و حفظ بنیان های اخلاقی آن، دفاع مشروع و حفظ صلح و امنیت

اجرای آن حقوق را توجیه نمی نماید. این حقوق از جمله شامل حق حیات و ممنوعیت شکنجه می باشد. اینها در واقع همان بنیان های اخلاقی هستند که تحت هیچ شرایطی نباید از آنها تخطی جست. دید روشنفکرانه به انسانیت، نشأت گرفته از نگرش فیلسوفانه به حقوق طبیعی است که برابری انسان ها و حقوق لاینفک آنها را صرفاً به دلیل انسانیت آنها و نه به دلیل دیگری قبول دارند. حقوق بشر در جستجوی یک اخلاق جهانی برای حمایت از حقوق بشر در برابر سنت ها و باورهای قومی و نژادی و ... است (۱۹).

علی رغم اینکه شورای امنیت در قطعنامه های خود بارها و بارها به نقض حقوق بشر استناد کرده، ولی هنوز معیار دقیقی از اینکه چه موضوعاتی باعث جریحه دار شدن وجدان بشری می شود عرضه نکرده است. البته با توجه به مفهوم نسل کشی و نیز قرار گرفتن برخی اعمال در زمره جرایم علیه بشریت طبق اساسنامه های دادگاههای بین المللی کیفری (موقت - دائم) مسلماً می توان مصادیق نقض بنیان های اخلاقی حقوق بشری را شامل قتل، نابودی، به بردگی گرفتن، اخراج، انتقال اجباری جمعیت، محبوس کردن، محروم کردن شدید دیگری از آزادی جسمانی^{۱۴}، شکنجه، خشونت جنسی^{۱۵}، اذیت و آزار، ناپدید کردن اجباری، تبعیض نژادی و سایر اعمال غیرانسانی مشابه است، دانست (۲۰). همچنین محروم کردن شهروندان به هر شکلی نقض حقوق بشر محسوب می شود. مواردی چون سرکوب سیاسی، تبعیض های اجتماعی، عدم رواداری^{۱۶} و تحمل در برخورد با اقلیت ها (مذهبی، نژادی) به حاشیه راندن هر گونه صدای مخالف در زمره این موارد هستند.

نتیجه گیری

ممنوعیت توسل یک جانبه به زور توسط دولتها در بند (۴) ماده ۲ منشور ملل متحد چنین بیان شده است: کلیه اعضا اختلافات بین المللی خود را با شیوه های مسالمت آمیز به صورتی که صلح و امنیت بین المللی و عدالت به خطر نیفتد حل و فصل خواهند کرد. این قاعده به عنوان قاعده آمره برای همه کشورهای عضو سازمان ملل لازم الاجراست. و بر همین مبنای هیچ کشوری حق تعرض به حاکمیت و تمامیت ارضی سایر کشورها ندارد. اما در شرایطی تجویز توسل به زور در صورت نقض فاحش و گسترده حقوق بشر می تواند از مستندات و مقررات حقوق بین الملل عمومی تبعیت نماید. صرف نظر از اهمیت ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد که توسل به قوای قهریه و اقدام زور گرایانه یک جانبه را در اعمال حق دفاع مشروع خواه به صورت فردی و یا دسته جمعی در مقابل حمله مسلمانانه مجاز دانسته است استفاده از زور بر طبق منشور تنها به صورت حقی انحصاری در اختیار سازمان ملل متحد قرار گرفته است. مداخله بشر دوستانه و توسل به زور تهادر صورتی می تواند مجاز تلقی شود که شورای امنیت سازمان ملل متحد نقض سیستماتیک و گسترده حقوق بشر را تشخیص دهد و آنرا مغایر با صلح و امنیت بین المللی بداند که آنرا به طور جدی تهدید می کند. به

5. Sadurska R. (1988). Threats of force. American Journal of International Law; 82.
6. Blechman BM, Wittes TC. (1999). Defining moment: the threat and use of force in America foreign policy. Caraley, D.J. (ed), The New American Interventionism. New York: Columbia University Press.
7. Mohammadrezaee H, Mirabbasi SB, Kamali A. (2019). Fundamentals of the use of force and its prohibition in international law with emphasis on the Charter of the United Nations. Iranian and International Comparative Legal Research Journal; 12(45):119-141. (In Persian) .
8. Jalali M, Rezaee M. (2018). Cyber warfare and the development of international law prohibit the use of force. Journal of Public Law Research; 84(3). (In Persian) .
9. Karoubi MT. (2005). The doctors of humanitarian intervention in the Parthian valley of human rights in the 3rd millennium. Journal of the Central Bar Association; 11(12). (In Persian).
10. Yaghouti MM. (2011). Legal exceptions to the prohibition of the use of force in international relations. Journal of Foreign Policy; 25(3). (In Persian).
11. Ziaee Bigdeli MR. (2001). The law of war (the law of feudalism, armed conflict). Tehran: Allame Taba Tabae University publication. (In Persian) .
12. Mousavi SF, Hatami M. (2007). Humanitarian intervention; Violation of the third rule or exception. Private Law Studies; 37(1). (In Persian).
13. Ziaee Bigdeli MR. (2007). Public international law. Tehran: Ganje Danesh Publication .
14. Chesterman S. (2001). Just war or Just peace. oxford university press.
15. Barry MB. (1992). Unilateral humanitarian intervention: legalizing the use of force to prevent human rights atrocities. Fordham International Law Journal; 16(1).
16. Momtaz J, Saberi Ansari B. (2012). The effect of the subsequent procedure of governments on the prohibition of threats and the use of force. Journal of Rahbord; 21(63). (In Persian).
17. Mohammadkhani AR. (2005). One-sided humanitarian interventions and international law. Journal of Law and Politics; 1(3). (In Persian) .
18. Zakerian M. (2002). Human rights in the new millennium. Tehran: Tehran University Press (In Persian) .
19. Shouhani A, Mayeli F. (2018). Moral considerations on the concept of justice and freedom in the charter of human rights from the perspective of the schools of realism and liberalism. Ethics in Science and Technology; 13(4). (In Persian).
20. Rashidi Nejad Z. (2007). Criteria and limits of humanitarian intervention in the Security Council procedure. Journal of International Law; 24(37): 63-102. (In Persian).

بین المللی می تواند برای توسل به زور در نظر گرفته شود. البته به شرط آن که در فرایند توسل به زور مقررات بشر دوستانه رعایت شود و آثار حقوقی چنین توسل به زوری باید تحقق عدالت و کرامت انسانی باشد. اما متأسفانه بسیاری بر این باورند که آثار اقدامات توسل به زور تا کنون که به بهانه حمایت از حقوق بشر صورت گرفته تنها منجر به گسترش خشونت و آسیب به بنیان های اخلاقی حقوق بشر شده است بنابراین راهکاری باید اندیشیده شود که کشورها نتوانند خودسرانه و بدون مجوز های لازم حاکمیت دیگر کشورها را تهدید کنند حتی به بهانه حمایت از بنیان های اخلاقی حقوق بشری.

ملاحظه های اخلاقی

موضوعات اخلاقی همچون؛ سرقت ادبی، رضایت آگاهانه؛ انتشار چندانگانه و ... در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته اند.

واژه نامه

| | |
|----------------------------------|-----------------------|
| 1. Human right | حقوق بشر |
| 2. Ethical society | جامعه اخلاقی |
| 3. Ethical principles | اصول اخلاقی |
| 4. Justice | عدالت |
| 5. Freedom of expression | آزادی بیان |
| 6. Freedom of thought | آزادی فکر |
| 7. Coercion | توسل به زور |
| 8. Human dignity | کرامت انسانی |
| 9. Charter of the United Nations | منشور سازمان ملل متحد |
| 10. International law | حقوق بین الملل |
| 11. Rape war | جنگ تجاوزکارانه |
| 12. Crime against humanity | جرم علیه بشریت |
| 13. Jus cogens | قواعد آمره |
| 14. Physical freedom | آزادی جسمانی |
| 15. Sexual violence | خشونت جنسی |
| 16. Oleranct | عدم رواداری |

References

1. Abbasi M, Abbasian L. (2007). Foundations of human right ethics. Journal of Medical Law; 1(1): 113-132. (In Persian).
2. Rostaminejad O. (2014). Examining the role of philosophical schools of international law in shaping the rules of international law by emphasizing the principle of prohibition of the use of force. [MA Thesis]. Tehran: Islamic Azad University, South Tehran Branch. (In Persian) .
3. Ghasemi A, Charbakhsh Viktoria B. (2011). Threat to force and international law. Journal of Law Research; 14(36):133-156. (In Persian) .
4. Martin EA, Law J. (2006). A dictionary of law. Oxford: Oxford University Press